

پس عدالت اجتماعی ابعاد و مؤلفه‌های گوناگونی دارد از جمله عدالت اقتصادی یا بُعد اقتصادی آن که به توزیع درآمد برمی‌گردد. ابعاد دیگر آن عدالت حقوقی، عدالت قضایی، عدالت سیاسی و عدالت بین نسلی است.^۱ برای مثال، عدالت اجتماعی در بُعد قضایی آن نشان‌دهنده پایبندی دستگاه قضایی کشور به عدالت در اجرای قوانین است به گونه‌ای که هر فرد بتواند از حقوقی که به موجب قانون دارد آگاه و برخوردار شود.

بُعد اقتصادی عدالت اجتماعی به رابطه بین فعالیت اقتصادی آحاد جامعه و عایدی این فعالیتها مربوط می‌شود؛ به این معنا که تلاش هر فرد و بازده اقتصادی تلاش وی چه رابطه‌ای با درآمد حاصل از تلاش او دارد.^۲

بعضی‌ها قرون وسطایی در باب قیمت عادلانه گواه آن است که عدالت در آغاز تلویحاً عدالت اقتصادی بوده که به نوعی به توزیع درآمد مربوط می‌شده است. این تعریف از عدالت با پارادایم لیبرالیستی نیز تا حدودی تطابق دارد؛ عدالت عبارت است از برابری درآمد فرد یا ارزش سهم آن فرد در تولید جامعه. امروزه طرفداران این تعریف زیاد نیستند. سهم افراد مختلف در تولید جامعه به چیزهای مختلفی از جمله ثروت موروثی و تواناییهای ذاتی آنها بستگی دارد و هیچ کدام از اینها لزوماً بین اعضای جامعه عادلانه توزیع نشده است. جامعه ثروت را به طور عادلانه توزیع نمی‌کند و طبیعت هم استعدادهای ذاتی را با هر تعریفی که از آنها شود، عادلانه توزیع نمی‌کند. امروزه نزدیک به ۳/۴ نابرابریهای درآمد اولیه و مقدار بیشتری از نابرابری درآمدها پس از کسر مالیاتها ناشی از نابرابری درآمدهای شغلی است.

اخیراً دو تن از فیلسوفان برجسته به نام‌های جان رالز (John Rawls) و رسکام ابینگ (Rascam Abbing) کوشیده‌اند تا عدالت را از نو تعریف کنند. آنان به جنبه‌های کمی موضوع بیشتر پرداخته و خود را به عناصر اندازه‌گیری شده یا قابل اندازه‌گیری رفاه انسان که از توزیع درآمد متأثر است محدود نموده‌اند.

اصولاً پایه‌های کمی عدالت، از جمله عدالت

مسئله توزیع درآمد بویژه در کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آنچه مهم است نحوه اندازه‌گیری و معیارهایی است که با آنها نابرابری و توزیع عادلانه را اندازه‌گیری می‌کنند. استفاده از منحنی لورنز و ضریب جینی دیرزمانی است که به عنوان مهمترین ابزار به کار گرفته شده است. در این مقاله سعی خواهد شد تا روش‌شناسی ابزارهای متداول اندازه‌گیری توزیع درآمد از جمله ضریب جینی مورد بررسی قرار گیرد. نشان خواهیم داد که مادام که در توزیع درآمد، به درآمدهای موجه و ناموجه توجه نشود توجیه‌پذیری عادلانه بودن توزیع درآمد قابل دفاع نیست و در ضمن اختلاف‌های ذاتی یگانه منشأ اختلافهای موجه درآمدها نیست و عناصر جبری و تصادفی نیز مؤثر خواهند بود. آمارهای به کار رفته در مطالعات توزیع درآمد نیز خود بستگی به افراد دریافت‌کننده درآمد، یا بودجه خانوار یا افراد منفرد یا درآمد سرانه دارد و باید آنها را از هم تفکیک کرد. در واقع انتخاب واحد دریافت‌کننده باید مشخص باشد. در نهایت، کیفیت تغییرات ساختاری توزیع درآمد و تحریک اقتصادی تجزیه و تحلیل و ابعاد آن تشریح خواهد گردید. مقاله حاضر در پنج بخش توزیع درآمد و عدالت اجتماعی، توسعه و توزیع درآمد، ملاحظات روش‌شناسی، آشنایی با شاخصهای توزیع درآمد و محاسبه تغییرات آن و نهایتاً توزیع درآمد در ایران ارائه خواهد شد.

توزیع درآمد و عدالت اجتماعی

توزیع درآمد در چارچوب مفهوم وسیع‌تر عدالت اجتماعی معنا می‌یابد. عدالت در متون ادبی و اعتقادی به سه معنی است.

الف) موزون بودن: برای یک اجتماع از لحاظ تعادل اجتماعی آنچه ضروری است میزان احتیاجات در نظر گرفته شده و تناسب آن با منابع مصرف شده است؛

ب) تساوی و نفي هر گونه تبعیض: مقصود این است که عدالت، یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های مساوی، برای همه افراد برقرار شود؛

روش‌شناسی ابزارهای اندازه‌گیری توزیع درآمد

ع-۱- اسفندیاری

عضو هیئت علمی دانشگاه
شهید چمران اهواز

توسعه و توزیع درآمد

رابطه بین توسعه اقتصادی و نابرابری درآمد توسط سیمون کوزتس آ صورت بندی گردید. طبق نظر کوزتس طی فرایند توسعه در ابتدا نابرابری درآمدها افزایش، و سپس زمانی که توسعه به سطح معینی می رسد کاهش می یابد. با وجود مخالفت های صورت گرفته، رابطه مذکور به نظر کوزتس (هرچند نه بطور کامل) به وسیله داده های موجود تأیید می شود. به هر حال منحنی کوزتس تمایل به نوعی توزیع عادلانه درآمد را در جریان توسعه اقتصادی نشان می دهد. او همچنین نشان داد که توزیع درآمد شخصی در کشورهای کمتر توسعه یافته نسبت به کشورهای توسعه یافته، نابرابرتر است. کوزتس همچنین مشاهده کرد که سهم گروه های با درآمد بالاتر در کشورهای رو به توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی توسعه یافته بیشتر است. به دیگر سخن، پر درآمدترین خانوارها در بالاترین ۵ درصد طبقه بندی در کشورهای رو به توسعه بیش از ۳۰ درصد کل درآمد را دریافت می کنند در حالی که این نسبت در کشورهای توسعه یافته از ۲۰ تا ۲۵ درصد بیشتر نمی شود. به عبارت دیگر سهم گروه های متوسط در کشورهای پیشرفته بیشتر از کشورهای در حال توسعه است. نابرابری توزیع درآمد عمدتاً در مورد درآمدهای شهری بیش از درآمدهای روستایی است.

ایروینگ کرایس^۱ همبستگی مثبت پیچیده ای را بین درجه نابرابری درآمد و سطح درآمد واقعی سرانه مشاهده کرد و به این نتیجه رسید که در کشورهای توسعه یافته نسبت به کشورهای پیشرفته پراکندگی درآمد در بخش زیرین جدول توزیع، کمتر و در بخش فوقانی آن بیشتر است. در واقع دو عامل برای اشاره به نمود بیشتر نابرابری درآمد قبل از کسر مالیات وجود دارد:

۱- تمرکز پس اندازها در دست بالاترین گروه های درآمدی: کوزتس از میان دلایلی که می توانست اثرات این عامل را محدود نماید به تصمیمات سیاسی (مالیات بر ارث)، اختلاف در رفتار جمعیتی بین ثروتمندان و نادران که منجر به کاهش رو به تزاید جمعیت ثروتمندترین گروه

اقتصادی به اختلاف موجه و ناموجه درآمد و نحوه توزیع آن در جامعه مربوط می شود. برای این که توزیع درآمدها و مشاغل بین جمعیت فعال، عادلانه باشد تنها اختلافهای موجه درآمدها قابل توجیه است. بر مبنای تعریف عدالت، اختلافهای موجه درآمدها پاداش مساعی فکری، بدنی یا نوع دیگر تلاش اشخاص در انجام کارهایشان است. برای انجام این مساعی زمینه ها و مقتضیات آن باید برای اشخاص فراهم باشد. از سوی دیگر، به علت محدودیت های ناشی از استعداد های ذاتی، بین مشاغلی که استعداد های ذاتی متفاوت طلب می کنند اختلاف در آمد وجود دارد. اختلاف های ذاتی یگانه منشأ اختلاف های ناموجه درآمدها نیستند و باید تمام عناصر جبری و تصادفی را نیز به آنها اضافه نماییم. نمونه هایی از این عناصر جبری عبارتند از انواع تبعیضات از قبیل امتیازاتی که به گروه های قومی یا نژادی، یا حزبی و مانند آن داده می شود. نمونه هایی از عناصر تصادفی نیز عبارتند از چیزهایی که به عنوان منافع باد آورده شناخته شده اند، خوش شانسی یا بد شانسی غیر مترقبه، یا چیزهایی که حاصل وقایع تصادفی (به زبان آماری) است.

بدیهی است وجود فرصت های برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه های فیزیکی و مالی از طریق بازارهای مناسب یا امکانات اجتماعی مقتضی می تواند عدالت اقتصادی را تحقق بخشد و از ایجاد درآمدهای ناموجه جلوگیری نماید. این امر مستلزم نبود ساختار های انحصاری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که حق بهره مندی برابر از فرصت های مزبور را مخدوش می سازند. عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی زمینه را آماده می سازد تا در بلندمدت بازدهی تلاش افرادی که از استعدادها و قابلیت های مساوی برخوردارند به هم گراید. تفاوت در بازدهی تلاش افراد مختلف ممکن است از تفاوت بهره مندی از سرمایه انسانی یا سرمایه مالی و فیزیکی ناشی شود، در حالی که دسترسی به برخی از امتیازات انحصاری نیز ممکن است گویای برخی از تفاوتها باشد. ریشه های توزیع مناسب یا نامناسب درآمد به نوعی با مفهوم فوق رابطه تنگاتنگ دارد.

می‌گردد، تحرک اجتماعی که از عملکرد اقتصادهای مبتنی بر بازار واقعی ناشی می‌شود و سرانجام به ضریب اهمیت درآمدهای ناشی از کار - تا اندازه‌ای که توانایی فردی موروثی نیست - اشاره کرد.

۲- دومین عامل تقویت‌کننده نابرابری درآمدر می‌تواند در ساختار اشتغال جستجو نمود. به عنوان نشانه صنعتی شدن و شهرنشینی، توسعه اقتصادی همواره با ترك کشاورزی همراه است. توزیع کلی درآمدر می‌تواند ترکیبی از دو الگوی توزیع شهری و توزیع روستایی قلمداد کرد. درآمد متوسط شهری بیشتر از روستایی است و در جریان توسعه شواهدی نیست که نشان دهد این اختلاف کاهش می‌یابد. نابرابری درآمدر شهرها بیشتر است. پس افزایش نسبی جمعیت شهری در افزایش عمومی نابرابری انعکاس می‌یابد.

بطور کلی کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای توسعه‌نیافته روح برابری خواهی و عدالتجویی بیشتری دارند زیرا در این کشورها تمامی طبقات مردم در زندگی اجتماعی و اقتصادی به نحو بهتری ادغام گردیده‌اند. در صورتی که در کشورهای کمتر توسعه‌یافته موانع بیشمار موجود در راه برابری آموزش و انواع تبعیضها گروه‌های معین را از رقابت با دیگران در شرایط مساوی باز می‌دارد.^۵

در حالی که تغییرات بزرگ ساختاری، که در نخستین مرحله توسعه اقتصادی اتفاق می‌افتد می‌تواند تفاوتها و نابرابریهای درآمدر را افزایش دهد، دوره‌های بعدی رشد اقتصادی که با گسترش آموزش و بسط تأمین اجتماعی، گسترش مالکیت سرمایه‌واحدهای بزرگ و افزایش درآمدر ناشی از کار نسبت به درآمدر ناشی از مالکیت همراه است، به کاهش نابرابری عمومی در توزیع درآمدر کمک می‌کند.

فلیکس پاکرت (Paukert 1973) در چارچوب برنامه جهانی اشتغال^۶ در سازمان جهانی کار به این نتیجه رسید که درجه نابرابری وقتی بوسیله ضریب جینی (Gini Ratio) یا بوسیله درصد برابری سازی اندازه‌گیری شود با سطح GDP سرانه ارتباط دارد. وی گروه‌های درآمدر و تأثیر آن بر نابرابری را به نحو ذیل مشخص نمود:

در گروه (۱) کشورهای با سرانه ۱۰۰ دلار GDP و گروه (۲) کشورهای با سرانه ۱۰۱ تا ۲۰۰ دلار GDP افزایش فاحشی در نابرابری پدیدار می‌شود.

در گروه (۳) کشورهای با سرانه ۲۰۱ تا ۳۰۰ دلار GDP نابرابری هرچند با شتاب کمتر رو به افزایش است.

در گروه (۴) کشورهای با سرانه ۳۰۱ تا ۵۰۰ دلار GDP اختلاف درآمدر در بیشترین حد خود است.

در گروه (۵) = با حرکت به سمت گروه درآمدری باز هم بالاتر بویژه کشورهای با GDP بیش از ۲۰۰۰ دلار برای هر نفر، کاهش آشکاری در نابرابری درآمدری به وجود می‌آید که با فرض ضمیمه کوزتس همخوانی دارد. یعنی سهم ۵ درصد از بالاترین صاحبان درآمدر در کشورهای گروه ۳ و ۴ از همه بیشتر است و سهم ۲۰ درصد پایین کف در مقیاس درآمدری در گروه کشورهای با ۳۰۱ تا ۵۰۰ دلار از همه کمتر. در کل، پراکندگی درآمدهای پایین در کشورهای رو به توسعه بسیار کمتر از کشورهای توسعه‌یافته است.

در ۱۹۷۴ بانک جهانی این مسأله را بر اساس داده‌های ۲۶ کشور به آزمون کشید. بررسی مزبور توسط مونتک آهلوالیا^۷ نشان داد که نابرابری نسبی در اغلب کشورهای توسعه‌نیافته به میزان قابل ملاحظه‌ای بیش از کشورهای توسعه‌یافته است. اما وی برخلاف کوزتس نشان داد که در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته نابرابری زیاد ناشی از سهم کوچکی از درآمدر است که به هر دو گروه میانی و پایین‌تر درآمدر تعلق می‌گیرد. یکی از مهمترین نتایج بررسی وی این است که توزیع درآمدر تا حدودی به متغیرهایی مانند آموزش و پرورش و نرخ رشد جمعیت بستگی دارد که سیاست اقتصادی-اجتماعی می‌تواند بر آنها مؤثر باشد.

طبق برآوردهای نامبرده افزایش ۲۵۰ تا ۵۰۰ دلاری درآمدر سرانه به کاهش ۱۲ تا ۱۰ درصد در سهمی از کل درآمدر منجر می‌شود که به ۴۰ درصد فقیرترین گروه جامعه تعلق می‌گیرد. اما با اقدامات جبرانی می‌توان سهم مزبور را افزایش داد. با افزایش نسبت باسوادان از ۴۰ درصد به ۱۰۰ درصد ۳/۴ درصد و با کاهش نرخ رشد جمعیت از ۳ به

درآمد به کار گرفته می‌شود. این رابطه می‌تواند یک رابطه معکوس باشد.

دوگانگی بخشی

کوزتس اقتصاد را به دو بخش تقسیم نمود:

الف: بخش کشاورزی

ب: بخش غیر کشاورزی

توسعه، انتقال جمعیت و نیروی کار را از بخش الف به بخش ب ایجاد می‌کند. اگر متوسط درآمد در بخش الف در سطحی پایینتر از بخش ب باشد و چنانچه درجه نابرابری در هر دو بخش یکسان باشد، انتقال جمعیت در ابتدا نابرابری عمومی را افزایش و سپس کاهش می‌دهد. اگر نابرابری در بخش ب نسبت به الف بزرگتر باشد، انتقال جمعیت موجب افزایش نابرابری در آمد می‌شود که به طور خودکار گرایشی برای کاهش نابرابری را به دنبال نمی‌آورد.^۱ نتایج مدل به درآمدهای نسبی در دو بخش و به درجه نابرابری در داخل هر بخش و به نسبت جمعیت شاغل در هر بخش بستگی دارد. نتایج کلی مدل فوق چنین است:

۱- اگر اختلاف درآمدهای سرانه به نفع بخش ب افزایش یابد یا توزیع درآمد در بخش ب نسبت به بخش الف نابرابرتر باشد، افزایش اندازه نسبی جمعیت بخش ب موجب افزایش قابل ملاحظه‌ای در توزیع نابرابر درآمد در سطح ملی خواهد شد.

۲- اگر درجه نابرابری بودن در هر دو بخش یکسان باشد چنانچه افزایش نابرابری توزیع در سطح ملی تنها ناشی از افزایش اختلاف درآمد سرانه به نفع بخش ب باشد در مقایسه با زمانی که درجه نابرابری در هر یک از بخش‌ها معتدل باشد، افزایش نابرابری توزیع بزرگتر می‌باشد.

۳- اگر اختلاف درآمد سرانه بین دو بخش ثابت باشد و توزیع درآمد در بخش ب نسبت به الف نابرابر باشد، افزایش نابرابری حاصله در سطح ملی در مقایسه با زمانی که اختلاف درآمد سرانه کوچک است، همواره بزرگتر خواهد بود.

۴- اگر اختلاف درآمد سرانه میان دو بخش افزایش یابد و توزیع درآمد در بخش ب نسبت به الف نابرابر باشد آنگاه با انتقال جمعیت از بخش الف به ب، سهم پایینترین ۲۰ درصد گروه درآمدی، بیش از مقداری کاهش می‌یابد که سهم بالاترین

۱/۵ درصد ۱/۷ درصد و با ایجاد اشتغال در بخش مدرن ۱/۸ درصد و روی هم رفته ۶/۲ درصد می‌توان سهم مزبور را افزایش داد.

در ۱۹۷۷ هارولد لیسدال (Lydall 1977) در برنامه جهانی اشتغال با اطلاعات ۷۱ کشور از بانک جهانی نقطه عطف نابرابری را چنانچه با ضریب جینی اندازه‌گیری شود در درآمد سرانه ۲۴۳ دلار به دست آورد. سهمی که به ۵ درصد جمعیت ثروتمند تعلق می‌گیرد کمی زودتر به حداکثر خود می‌رسد. برعکس، در سطح درآمد سرانه ۲۰۰ دلار تا جایی که GDP سرانه به ۵۰۰ دلار برسد سهم ۲۰ درصد به کاهش خود ادامه می‌دهد. توزیع درآمد بین خانوارها نسبت به اشخاص منفرد کمتر نابرابر است و حتی نسبت به اشخاص فعال اقتصادی هم نابرابری کمتری دارد. وانگهی، پراکندگی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری کمتر بارز است.

سهمی که به ۵ درصد از ثروتمندترین افراد تعلق می‌گیرد همسوی با ضریب جینی تغییر می‌کند و سهم ۲۰ درصد پایین‌ترین گروه ابتدا کاهش می‌یابد و سپس وقتی GDP سرانه از ۵۰۰ دلار تجاوز می‌کند رو به افزایش می‌گذارد. بطور کلی نظرات لیدال با کوزتس و پاکرت هماهنگی دارد.

کرامول معتقد است که نابرابری، ذات توسعه نظام سرمایه‌داری مدرن است. او در ارزیابی نقش سرمایه‌داری مدرن از طریق اندازه سهم مزدها در درآمد ملی، رابطه‌ای غیر خطی میان سهم یادشده و ضریب جینی برقرار کرد که بر طبق آن نقطه عطف منحنی نابرابری در جایی قرار می‌گیرد که بخش مدرن سرمایه‌داری ۴۰ درصد از نیروی کار را در استخدام خود در آورد. در این مرحله دوگانگی بین بخش سرمایه‌داری مدرن و بخش سنتی حداکثر نابرابری را به وجود می‌آورد.

آخرین کلام این که جونز گست Guest می‌گوید سهم ثروتمندترین گروه در کشورهای بسیار کم توسعه یافته به سرعت افزایش و سهم گروه‌های با درآمد پایین در سطوح میانی توسعه تنزل می‌یابد و تنها در کشورهای توسعه یافته افزایش می‌یابد. در فرضیه کوزتس در یک رابطه غیر خطی، درآمد سرانه متغیر مستقل است و به عنوان مؤلفه‌ای برای اندازه‌گیری نابرابری توزیع

۲۰ درصد گروه درآمندی افزایش خواهد یافت. حتی اگر اختلاف در آمد سرانه ثابت و توزیع درآمدها در هر دو بخش مشابه باشد صرف انتقال جمعیت در بین بخشها تغییرات معناداری را در نابرابری درآمندی در سطح ملی پدید می آورد. به طور کلی زمانی که نسبت جمعیت در بخش الف کاهش می یابد، اختلاف در آمد ابتدا وسیعتر می شود و سپس کاهش می یابد. چنانچه تفاوت درآمندی معناداری میان بخشها وجود داشته باشد انتقال جمعیت از يك بخش به بخش دیگر بر میزان نابرابری عمومی تأثیر می گذارد. اختلاف درآمندی بین بخشی نیز ناشی از تفاوت بهره‌وری هاست که خود نتیجه به کارگیری فنون کارآمدتر تولید در جریان توسعه است.

ملاحظات روش‌شناسی

الف - اندازه گیری نابرابری درآمندی

اصولاً آمارهای به کار رفته در مطالعات توزیع در آمد، باید از نظر توزیع در آمد بر حسب اشخاص فعال اقتصادی و بر حسب بودجه خانواده یا بر حسب افراد منفرد یا سرانه از هم تفکیک شود؛ یعنی باید واحدی که به عنوان دریافت کننده در آمد انتخاب می شود مشخص گردد.

توزیع در آمد بر حسب اشخاص فعال اقتصادی، به طور قابل ملاحظه‌ای با توزیع بر حسب خانوارها متفاوت است و نمی توان توزیعی را مورد مقایسه قرار داد که به واحدهای متفاوت در آمد بر می گردد. مطالعاتی که طی برنامه جهانی اشتغال (WEP) سازمان بین المللی کار انجام شده است نشان می دهد که برای مقایسه باید واحدهای دریافت کننده در آمد از همگنی لازم برای مقایسه برخوردار باشند. برای نمونه، آدلمن و مورس مبنای بر آورد توزیع در آمد در نیجریه را بر آمار مالیات مستقیم قرار دادند آن هم در جایی که تنها سه درصد از خانوارها مشمول این مالیات بودند؛ یا این که در سودان تنها در يك شهرستان، بررسی توزیع در آمد صورت گرفت.

اهلو والیا در مورد برمه، جمهوری دومینیک و لیبی، برآوردهایی از بررسی بودجه خانوار انجام داد که تنها در پایتخت اجرا شده بود. در اوگاندا که

اکثریت جمعیت فعال اقتصادی آن، مزدبگیر نیستند برآوردها مبتنی بر آمارهایی بود که تنها مزدبگیران - صرف نظر از خار جیان - را شامل می شد. در مورد ایران از بودجه خانوار شهری استفاده شده است.

تمامی برآوردهایی که از منابع ناقص (تظیر بر رسیهای بودجه خانوار شهری) استفاده کرده اند مردود شناخته شده اند. نتایج این بررسی ها از طریق مراجعه به حسابهای ملی و سایر منابع مورد تصحیح قرار گرفته است. اگر این تعدیل صورت گیرد تمرکزی که در بررسی فوق نشان داده می شود به مقدار ۰/۰۳ ضریب جینی را تغییر خواهد داد.

زیرا این نوع بررسی معمولاً به کم بر آورد کردن نسبی بر درآمدها و بدین ترتیب کم بر آورد کردن نرخ تمرکز منجر می شود. (بعد از تعدیل، ضریب جینی ۰/۰۳ بیشتر خواهد شد).

ب - انتخاب واحدهای دریافت کننده در آمد

باید دید واحدهای دریافت کننده در آمد با چه روشی انتخاب شده اند؟ بسته به نوع منابع، برآوردهای مختلفی از توزیع در آمد بر حسب خانوارها (در حوزه مصرف) و افراد فعال اقتصادی (در حوزه تولید) و افراد منفرد وجود دارد. برای مقایسه داخلی (برای سالهای متفاوت) یا بین المللی (بین کشوری) باید برآوردهای همگنی وجود داشته باشد. بهترین راه این است که برای يك کشور و يك سال مشخص توزیعی در آمدی را بر حسب خانوار، اشخاص فعال اقتصادی و هم بر حسب افراد منفرد داشته باشیم.

وضعیت فوق روشی است که تحلیل دقیق اثر ساختارها و کارکرد اقتصاد را بر نابرابریهای واقعی در آمد و سطح زندگی میسر می سازد. در اینجا چند نکته قابل ذکر است.

اولاً هر يك از واحدهای درآمندی باید به شمول تمامی درآمدهای اساسی، چه پولی و چه غیر پولی، منجر شود. در صورتی که نتایج، تولید برای خود مصرفی را که بیش از نیمی از کل در آمد اشخاص فعال اقتصادی یا خانوارهای کم در آمد را تشکیل می دهد در برنگیرد فاقد ارزش است.

ثانیاً يك شكل از درآمد غیر یولی به حساب نیامده که همان درآمد اجارهٔ فرضی است که برای خانواده‌های صاحب مسکن شخصی قابل احتساب می‌باشد.

ثالثاً در مورد توزیع‌های درآمدی برحسب اشخاص فعال اقتصادی، این خطر وجود دارد که سود سهام، پرداخت‌های بهره و درآمدهای اجاره که معمولاً بیشتر به خانواده‌ها نسبت داده می‌شود تا اشخاص، بیرون از محاسبه قرار گیرد زیرا معمولاً درآمدهای اشخاص فعال اقتصادی تنها مزد و حقوق و درآمدهای ترکیبی کارکنان مستقل را دربرمی‌گیرد.

در بررسی نابرابری‌های درآمد افراد، باید تمامی پرداخت‌های انتقالی از سوی دولت را به حساب آورد یا کسور یا پرداخت‌های نقدی یا خدماتی را که در موضوعاتی نظیر بهداشت و درمان و آموزش و نظایر آنها به‌طور مجانی عرضه می‌شود مورد لحاظ قرار داد.

ج - تفاوت توزیع برحسب اشخاص فعال اقتصادی و توزیع برحسب خانوارها در چیست؟

عموماً توزیع برحسب اشخاص فعال اقتصادی مبتنی بر مطالعات نمونه‌ای در سطح کلی یا به دفعات بیشتر مبتنی بر اطلاعات منابع گوناگون (حساب‌های ملی، بررسی‌های گروه‌های معین از اشخاص فعال اقتصادی یا آمارهای توزیع مردها) است. برای کشورهای دیگر نیز، بودجهٔ خانوار موجود است. معیار اول همواره نتیجه‌ای متمرکزتر از دومی می‌دهد. تعداد اشخاص فعال اقتصادی در يك خانوار با افزایش درآمد متوسط خانوارها، نه افزایش که کاهش می‌یابد. در شهرها کار زنان برای خانواده‌های فقیر مکمل انکارناپذیری است. از سوی دیگر، در میان خانواده‌های ثروتمند بویژه خانواده‌های ۵ درصد گروه فوقانی نیز فراوانی مواردی که درآمد اضافی زن غیر ضروری و زاید باشد کمتر می‌شود. البته این اوضاع و احوال با نسبت ثابت نام دختران برای تحصیلات متوسطه و عالی که هنوز هم پایین است ارتباط دارد. در خانوارهای بزرگ و فقیر موجود در دهکهای پایین، زنان و جوانان تلاش می‌کنند تا با

کار خود کمبود درآمد ناکافی سرپرست خانوار را جبران کنند. این بویژه در محیط‌های روستایی زیاد مصداق دارد. نرخ بالای فعالیت اعضای خانواده‌های بزرگ و فقیر، سهم مؤثری در پایین آوردن عدم مشابهت‌های درآمدی خانوارها دارد و به توضیح این پدیده که چرا نابرابری‌های درآمدی برحسب خانوارها نسبت به نابرابری برحسب اشخاص فعال اقتصادی کمتر نمود دارد، کمک می‌کند. ضریب جینی برای دومی به‌طور متوسط ۰/۰۳ بالاتر از ضریب جینی برای اولی است.

د - خانوارها و افراد

تنها روش قابل قبول برای رفتن از توزیع درآمد برحسب خانوارها به توزیع درآمد برحسب افراد مستلزم وجود اطلاعات در مورد توزیع خانوارها برحسب تعداد اشخاص از هر گروه از خانواده‌هایی است که در داخل آن ردهٔ درآمدی قرار می‌گیرند. به کمک اطلاعات فوق درآمد برحسب شخص در داخل هر خانوار محاسبه می‌شود. پس از آن تمامی افراد برحسب درآمد مذکور طبقه‌بندی می‌شوند تا آن که توزیع درآمدی برحسب افراد که با توزیع برحسب خانوار قابل مقایسه باشد به دست آید.

در ضمن حتی در مورد بودجهٔ خانوار چون تعداد افراد فعال اقتصادی در درون خانوار با یکدیگر متفاوت است و ضمناً اغلب اوقات يك فرد ممکن است در چند کار متفاوت در شبانه روز حتی تا ۱۶ و ۲۰ ساعت هم کار کند عملاً استفاده از بودجهٔ خانوار، درآمد واقعی افراد را به شکلی که بتوان با هم مقایسه نمود، منعکس نمی‌نماید. در کشورهای توسعه‌یافته بطور متوسط تعداد افراد خانوار با عبور از دهکهای پایینی به دهکهای بالا به سرعت افزایش می‌یابد و برعکس در کشورهای رو به توسعه بعد خانوار به آرامی افزایش می‌یابد. کنشهای متقابل بین ساختار خانوار و توزیع درآمد برحسب خانوار از يك کشور به کشور دیگر فرق دارد.

اندازهٔ نسبتاً بزرگ خانوارهای کم درآمد در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته به شرایط معینی باز می‌گردد. عوامل متعددی می‌تواند به تحول در ساختار خانواده و به کاهش در اندازه خانوارها کمک کند و بدین ترتیب حتی اگر

نابرابری در سطح افراد افزایش نیابد افزایشی در نابرابری در سطح خانوارها را باعث گردد. شکاف در واحدهای سنتی خانوار و ازدیاد خانوارهای تک نفره به موقعیتی نزدیک به کشورهای توسعه یافته منتهی می‌شود که در آنجا اندازه خانوارهای با درآمد کم، بسیار کوچکتر از اندازه سایر خانوارهاست و در نتیجه در آنجا توزیع برحسب افراد به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به توزیع برحسب خانوارها کمتر متمرکز است.

هـ- کیفیت تغییرات ساختاری توزیع درآمد و تحرک اقتصادی

آیا در دوره‌ای خاص (برای مثال پس از انقلاب) تحرک‌های صعودی یا نزولی صورت گرفته است که حاکی از بهبود یا بدتر شدن متوالی موقعیت اقتصادی نسبی خانوارهای مورد نظر جامعه باشد؟ به عبارت دیگر، تحرک اقتصادی خانوارها ابعاد نابرابری یا گسترده‌گی شکاف‌های درآمدی را نشان نمی‌دهد بلکه کیفیت توزیع درآمد را مورد بررسی قرار می‌دهد.

اصولاً عوامل مؤثر در توزیع درآمد به دو گونه است:

- ۱- درآمد موجه یا نابرابری‌های درآمدی ناشی از عوامل موجه در توزیع درآمد (تجربه-مهارت-سواد-انضباط-ذکاوت و هوش) که نتیجه یا پاداش جامعه به مساعی افراد است.
- ۲- درآمد ناموجه یا وجود عوامل ناموجه در نابرابری درآمدی (از قبیل پایگاه سیاسی اجتماعی-دسترسی به مراکز قدرت-برخورداری از انحصار در بازار، تخلف از مقررات کسب درآمدهای قانونی).

مورد دوم انگیزه تلاش را از افراد جامعه سلب می‌کند و آنان را به سسوی رانت‌خواری و زیاده‌خواهی‌های فارغ از صلاحیت‌های فردی سوق می‌دهد و بی‌بهرگان از مراکز قدرت اقتصادی را سرخورده و مأیوس می‌کند. پس کیفیت درآمد به اندازه کمیّت آن می‌تواند نگران‌کننده باشد و لذا سهم عوامل موجه و ناموجه در سهم‌بری از درآمد ملی باید از هم تفکیک شود. در واقع، جامعه چه کسانی را تشویق و چه کسانی را تنبیه می‌کند. یا به عبارت دیگر، ارتقاء موقعیت اقتصادی افراد

جامعه را چه عواملی توضیح می‌دهد. اطلاع از ساختار تحرک اقتصادی افراد یک جامعه سیاستگذاران اقتصادی را قادر می‌سازد تا مناسبترین و کارآمدترین ابزارها و اهرمهای اقتصادی را برای رفع توزیع ناعادلانه درآمد و ایجاد شتاب در تحرک اقتصادی خانوارهای کم درآمد به کار گیرند، به عبارت دیگر، رفع موانع موجود در راه حذف نابرابری‌های درآمدی غیر موجه می‌تواند به تغییر الگوی توزیع درآمد مناسب منجر گردد.

مرکز آمار ایران مجموعه اطلاعاتی از نوع داده‌های تابلویی (panel data) طی سالهای ۱۳۶۸-۷۳ تهیه و در اختیار پژوهشگران و کارشناسان اقتصادی و اجتماعی قرار داده است تا در تحلیلهای خود مورد استفاده قرار دهند. این اطلاعات راجع به خانوارهای شهری و روستایی تمام مناطق کشور است.

و- عواملی که بر تحرک اقتصادی اثر دارند.

خانوارهای شهری به طور متوسط نسبت به خانوارهای روستایی شانس تحرک بیشتری دارند. اقوام فارس و غیرفارس، جنسیت مرد نسبت به زن^۱، و اشخاص جوان و پیر نسبت به افراد میانسال از تحرک کمتری برخوردارند. خانوارهای بامیزان اشتغال بیشتر تحرک زیادتری دارند و سطح سواد و میزان تخصص تحرک را بیشتر می‌کند. خانوارهای تحت سرپرستی شاغلان بخش عمومی نسبت به دیگر خانوارها به طور متوسط از تحرک بیشتری برخوردارند. در این میان، مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی وضعیت نامطلوبی دارند. آیا ساختار توزیع درآمد در برابر سیاستهای اقتصادی یا شوک‌های وارد بر اقتصاد از خود مقاومت نشان می‌دهد؟ اثر بخشی سیاستهای توزیعی چقدر است و سیستم توزیع درآمد در جامعه تا چه حد و چگونه بر سیاستهای اقتصادی ناظر بر تغییر توزیع درآمد عکس‌العمل نشان می‌دهد؟ ساختار پایدار توزیع درآمد در برابر شوکهای وارده از خود مقاومت نشان می‌دهد، یعنی توزیع درآمد به هنگام رکود بلافاصله با همان شدت و به خنثیت نمی‌گراید. این ساختار در مقابل سیاستهای اقتصادی که بهبود الگو را هدف

عدالت و برابری بیشتری در جامعه برقرار و مقدار عددی ضریب جینی به صفر نزدیکتر می شود. هر نقطه از منحنی لورنز بیانگر تناظری بین درصد معینی از افراد و درصد درآمد از کل درآمد جامعه است که به آنان تعلق گرفته است. اگر درآمد بطور مساوی بین آنها تقسیم شود منحنی لورنز کاملاً بر خط ۴۵ درجه منطبق خواهد شد و اگر درآمدها ناعادلانه توزیع شود منحنی لورنز OBA می باشد.

$$G = \frac{SK}{SK+SL} \quad G = \frac{SK}{SOAB}$$

$$G = \frac{1}{2n^2} \sum_{j=1}^n \sum_{i=1}^n \left(\frac{y_i - y_j}{\bar{y}} \right)^2$$

از فرمول ذیل می توان ضریب جینی را محاسبه نمود. از طریق هندسی هم این امر امکان پذیر است.

$$G = 1 + \frac{1}{n} + \frac{2}{n^2 y} (y_1 + y_2 + \dots + ny_n)$$

۱ و ۲ درآمدهای افراد شاخص ۱ و ۲ و y درآمد متوسط است.

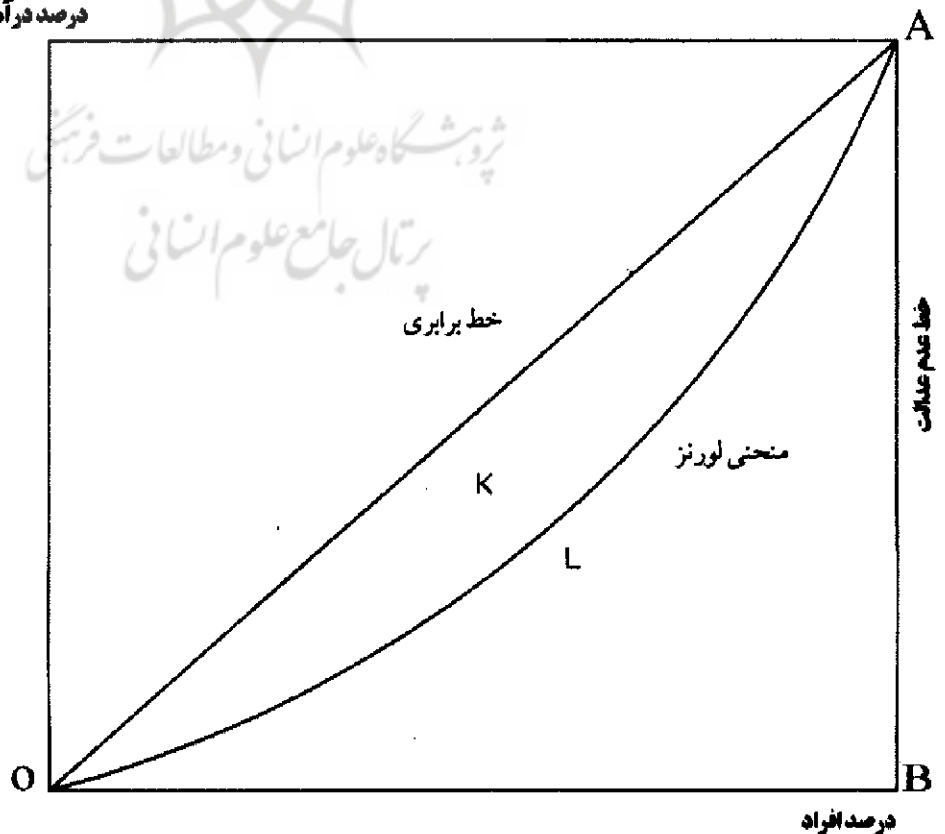
گرفته اند نیز مقاوم است. مطالعه نمونه سازمان برنامه حکایت از نوعی همگرایی این سیستم یا پایداری آن در برابر شوکهای وارد بر اقتصاد دارد که امیدوار کننده است. اما در مقابل سیاستهای اقتصادی توزیعی نیز مقاوم است که این امر به معنی آن است که سیاستهای توزیعی نمی تواند باعث تحریک گردد.^{۱۰}

آشنایی با شاخصهای توزیع درآمد و محاسبه تغییرات آن

۱- ضریب جینی از جمله شاخصهایی است که مقوله توزیع را از دریچه عدم عدالت بررسی می کند. در واقع این شاخص میزان تمرکز درآمد را اندازه گیری می کند و لذا از آن به عنوان شاخص تمرکز درآمد یاد می شود. دامنه تغییرات آن بین صفر و ۱ است. هر چه درصد بیشتری از درآمد جامعه در اختیار درصد کمتری از افراد قرار گیرد میزان نابرابری و عدم عدالت در جامعه بیشتر و مقدار عددی این شاخص به یک نزدیکتر خواهد بود و هر چه از میزان تمرکز درآمد و ثروت کاسته شود

نمودار (۱) منحنی لورنز

درصد درآمد



y_i ثروتمندترین فرد است و y_7 بعدی ...

۲. معیار عدالت انکینسون - برخلاف ضریب جینی که به قضاوت‌های ارزشی بی‌توجه است در معیار انکینسون، عدالت در توزیع متأثر از ارزشهای محقق می‌باشد و برای یک جامعه معین با توجه به داده‌های معین بسته به ارزشهای محققین نتایج متفاوت حاصل می‌شود.

$$E = \frac{\left[\sum_{i=1}^n \frac{y_i^a}{n} \right]^{\frac{1}{a}}}{\bar{y}}$$

در رابطه بالا y_i در آمد فرد i ، y در آمد متوسط و a معرف ارزشهای محقق می‌باشد. هر چه E کوچکتر از a باشد عدالت مفهوم نوع دوستانه‌تری دارد. مقدار عددی E بیانگر میزان عدالت در توزیع است یعنی $E-1$ به عنوان میزان عدم عدالت تلقی می‌شود.

منحنی لورنز و ضریب جینی متأثر از تابع رفاه اجتماعی نیست در حالی که معیار انکینسون دارای این خصیصه است و از دل رفاه اجتماعی که بیانگر ارزشهای مورد قبول جامعه است نشأت می‌گیرد و به ضریب جینی ارجحیت دارد. این ارزشها در a متبلور است. بطور معمول مقدار a بین $\frac{1}{3}$ تا $\frac{2}{3}$ می‌باشد.

۳. شاخص سهم گروههای درآمدی بر حسب دهکهایی که هر دهک نماینده ۱۰ درصد جمعیت مورد مطالعه است. یکی از این اقسام گروههای درآمدی که برای مطالعه نابرابری استفاده می‌شود تقسیم جمعیت به ۳ گروه است:

۴۰ درصد جمعیت کم درآمد

۴۰ درصد جمعیت با درآمد متوسط

۲۰ درصد جمعیت با درآمد بالا

۴. شاخص دیگر نسبت سهم ۱۰ درصد بالاترین درآمدها (دهک دهم) به ۱۰ درصد پایین‌ترین گروههای درآمدی (دهک اول) است که شکاف بین پردرآمدترین و کم‌درآمدترین افراد را مشخص می‌کند.

تحلیل اثر بار توزیعی مالیات و مخارج دولتی

چرا تأثیر کلی مالیات در یک کشور جنبه باز توزیعی دارد اما در کشورهای دیگر تقریباً هیچ اثری روی نابرابری درآمدها نمی‌گذارد؟ آیا این امر

ناشی از نسبت مالیات یا مخارج دولت به درآمد اصلی خانوارهاست که بسته به هر کشور تغییر می‌کند یا به علت آن است که بین ترکیب مخارج و درآمدها تفاوت‌هایی وجود دارد؟

یک انتقال نظیر مالیات یا کمک هزینه یا یارانه چه تغییری در ضریب جینی به وجود می‌آورد؟

کاکوانی (N.C.Kakwani) پیشنهاد می‌کند که بین تصاعدپذیری یک انتقال (P) و شدت آن (e) باید تمیز قائل شد. شدت e یک انتقال، با درصدی از درآمد اصلی که به نمایش می‌گذارد مطابقت دارد. e در مورد یک انتقال منفی (مالیات) نرخ متوسط کسورات و در مورد انتقال مثبت (کمک هزینه‌ها و خدمات اجتماعی و یارانه‌ها) نرخ متوسط فایده‌را نشان می‌دهد.

تغییر در ضریب جینی که به وسیله انتقال پدید می‌آید برابر است با

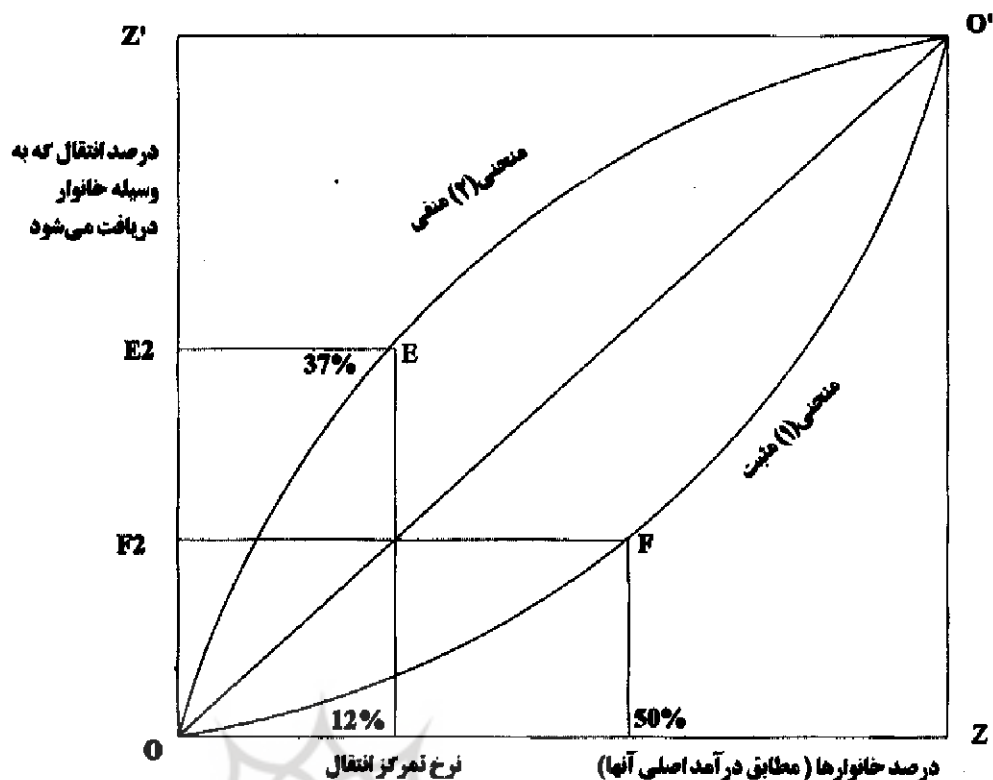
$$G-Gt' = + \left(\frac{e}{1-e} \right) [P \text{ انتقال منفی}]$$

$$G-Gt' = + \left(\frac{e}{1-e} \right) [P \text{ انتقال مثبت}]$$

که G مقدار ضریب جینی برای توزیع درآمد اصلی، Gt' مقدار ضریب جینی برای توزیع پس از انتقال، e شدت انتقال و P تصاعدی بودن انتقال مورد نظر است.

کاکوانی تصاعدی بودن یک انتقال را به صورت تفاوت بین نرخ تمرکز انتقال C و نرخ تمرکز توزیع درآمد اصلی G تعریف می‌کند. در نمودار ۲ نرخ تمرکز انتقال C مطابق است با نسبت مساحتی که بین منحنی تمرکز OO' تشکیل می‌شود، به مساحت $OO'Z$ منحنی تمرکز یک انتقال به صورت درصدی از کل انتقال تعریف می‌شود که به وسیله شخصی که درآمد اصلی‌اش از مقدار معینی کمتر است دریافت یا پرداخت می‌شود. برای مثال نقطه F روی منحنی نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از خانوارها (نخستین ۵ دهک توزیع درآمدهای اصلی) به اندازه OF یعنی ۲۵ درصد کل انتقال را دریافت یا پرداخت می‌کنند.

خانوارها در محور OZ و درصد انتقالی که دریافت یا پرداخت می‌کنند روی OZ' نشان داده می‌شود. زمانی که خانواده فقیرتر سهمی از انتقال را دریافت یا پرداخت می‌کند که بالاتر از سهم آن در



و بالاخره برای کل تأثیر مالیات و مخارج دولتی

نتیجه عبارت است از:

$$G-G' = \sum_i^n \frac{e_i}{1-e} (C_i - G) - \sum_i^n \frac{e_i}{1+e} (C_i - G)$$

- تفکیک درآمدهای موجه از ناموجه (بولز و نلسون)^{۱۲}

با معیارهای مناسب می توان این دو نوع درآمد را از هم تفکیک نمود. در آغاز فرض می کنیم که درآمد یا لگاریتم آن W را می توان به صورت تابع خطی دو دسته از عوامل بیان کرد. (عوامل مسبب درآمد موجه را y_1 و مربوط به درآمد ناموجه را y_2 می نامیم). در این صورت $W = a_1 y_1 + a_2 y_2$ از آزمون آماری این معادله یک ضریب همبستگی چندجانبه

$$R^2 = 1 \text{ حاصل می شود که با نمایش همبستگی بین}$$

W و y_1 از طریق r_1 و همبستگی W و y_2 از طریق

$$r_2 \text{ داریم } a_1 r_1 + a_2 r_2 = R^2 = 1 \text{ نتیجه منطقی این که}$$

$a_1 r_1$ برای اختلاف درآمدهای موجه معیار مناسبی است وقتی اعداد و ارقام متغیرهای توضیحی بیشتر باشد معادله کلی را می توان چنین نوشت: $a_i r_i = R^2$ بولز و نلسون در رابطه با قابلیت توجیه اختلاف

کل جمعیت است، منحنی تمرکز در مثلث

$OO'Z'$ رسم می شود (چنانچه در مورد منحنی ۲

دیده می شود). بدین ترتیب E روی منحنی (۲)

نشان می دهد که ۱۲ درصد از خانوارها (نخستین

دوازده صدک توزیع درآمد اصلی) ۳۷ درصد از

مقدار انتقال را دریافت می کنند (برای مثال کمک به

کشاورزان کوچک و متوسط - مقیاسی که بویژه

به سوی خانواده های کم درآمد سرازیر می شود).

زمانی که منحنی تمرکز در $OO'Z'$ قرار می گیرد

مقدار C منفی است و زمانی که در $OO'Z'$ قرار

می گیرد مقدار آن مثبت است.

اگر تصاعدپذیری تفاوت بین C و G باشد نتیجه

عبارت است از:

$$\text{برای یک انتقال منفی } G-G' = + \frac{e}{1-e} (C-G)$$

$$\text{برای انتقال منفی متعدد } G-G' = \sum_i^n \frac{e_i}{1-e} (C_i - G)$$

و اگر انتقال هامشبت باشند نتیجه عبارت است

از:

$$G-G' = \frac{e}{1+e} (C-G)$$

$$G-G' = \sum_i^n \frac{e_i}{1-e} (C_i - G)$$

می‌کنند و رانتهای متفاوتی را به وجود می‌آورد می‌تواند استفاده از مدل فوق را با مشکل روبرو سازد. اغلب دیده شده است که پایگاه شغلی فرد می‌تواند زمینه‌های دیگری از مشاغل را فراهم آورد و در نهایت باعث مشاغل متعددی گردد و درآمدهای متفاوتی ایجاد کند که عملاً در مدل فوق وارد نگردیده‌اند.

بررسی توزیع درآمد در ایران

طبق گزارش مهران در ۱۹۷۱ نابرابری واحد دریافت کننده درآمد خانوار درصد کهای دریافت کننده به صورت جدول (۱) بوده است:

نابرابرترین توزیع درآمد در بین کشورهای آسیایی متعلق به ایران و ترکیه بوده است و لبنان و مالزی پس از آنها قرار دارند. طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار برای سال ۱۳۵۰ در آسیا سه کشور، آفریقا شش کشور و آمریکای لاتین هفت کشور ضریب جینی متجاوز از ۰/۵۲ داشته‌اند.^{۱۳}

علل نابرابری در این دوره را می‌توان تأثیر مهاجرت بر توزیع درآمد (به هم خوردن توازن در بازار کار شهری)، تفاوت‌های درآمدی بین بخشی و بین منطقه‌ای، پراکندگی درآمدی درون بخشی، پراکندگی درآمد در بخش کشاورزی، مالکیت زمین کشاورزی، تجارتی شدن کشاورزی و پراکندگی درآمد در بخش شهری دانست. طبق نظر مهران در ۱۹۷۱ تأثیر مالیات بر

درآمدهای ناشی از کاربرد پاره‌ای از عوامل فضاهای جدیدی مطرح ساختند.

$$W=0.7250+0.166PI-0.019S+0.058CIQ-0.019FE+0.22FO$$

O	پایگاه شغلی	$ri=0.561$	$airi=0.216$	موجّه
PI	درآمدالدین	0.541	0.075	
S	سالهای تحصیل	0.444	-0.007	موجّه
CIQ	بهره‌هوشی کودک	0.294	0.015	
FE	تحصیلات پدر	0.283	-0.029	
FO	شغل پدر	0.251	0.100	

ضرایب ساده همبستگی هر یک از متغیرهای توضیحی با درآمد، ri و جمله $airi$ به فهرست اضافه شده‌اند. $\sum airi=R^2=0.37$ تنها موجّه O و S هستند. که در این ترکیب از متغیرهای توضیحی، تأثیر دومی (S) ناچیز است و می‌توان از آن صرف نظر نمود. بامنتظر نمودن O، قسمت اختلافهای موجّه درآمدها، در صورتی که تمام عوامل ناشناخته را ناموجّه بدانیم، عبارت است از 0.216 .

بخشی از تأثیر مشترک عوامل شناخته شده عبارت است از $0.58 = \frac{0.216}{0.37}$

در واقع $\frac{\Delta ri}{R^2} = 0.58$ معیاری موجّه برای

تغییرات توزیع درآمد تلقی می‌گردد.

گرچه در مدل فوق تنها پایگاه شغلی فرد، اختلافهای موجّه درآمدها را توضیح می‌دهد مهذا از نظر روش شناسی باید رابطه بین پایگاه شغلی فرد و درآمد کسب شده هر شغل یا مشاغل متعدد مورد بررسی قرار گیرد. تقسیمات پایگاه شغلی در محدوده‌ای از مشاغل که درآمدهای متفاوتی ایجاد

جدول ۱- سال ۱۳۵۳

ضریب جینی	۰/۵۶۱	۰/۳۶	۱۱/۴	۱۵/۳	۱۷/۲	۱۰/۱	۶/۶	۰/۳۴
	۱۰۰-۹۶%	۹۵-۹۱%	۹۰-۸۱%	۸۰-۶۱%	۶۰-۴۱%	۴۰-۲۱%	۲۰-۱%	

جدول ۲- سال ۱۹۷۲ تا ۱۳۵۱

ترکیه	جمهوری کره	ایران	
۴۹/۲	۵۲/۲	۴۷/۱	توزیع اشخاص فعال اقتصادی در بخش کشاورزی (درصد)
۵۰/۸	۴۷/۸	۵۲/۹	توزیع اشخاص فعال اقتصادی در بخش غیر کشاورزی (درصد)
۳۱/۸	۳۰/۳	۳۰/۴	توزیع درآمد کشاورزی (درصد)
۶۸/۲	۶۹/۷	۶۹/۴	توزیع درآمد غیر کشاورزی (درصد)
۲۰۸	۲۵۲	۲۰۳	درآمد متوسط غیر کشاورزی (کشاورزی=۱۰۰)
۰/۵۷۹	۰/۴۰	۰/۵۹۱	ضریب جینی

اقتصادی دولت و درآمدهای دولت تغییر نموده است. نابرابری در روستاها در سال‌های بعد از انقلاب افزایش یافته که ناشی از عدم دسترسی به یارانه‌های شهرنشینان بوده است.

ساختار اقتصاد ایران به گونه‌ای است که در نبود سیاست توزیعی دولت، نابرابری در آمدی افزایش می‌یابد. اگر بدانیم که ضریب جینی کل اقتصاد در ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ بر اساس محاسبه مهران ۰/۵۶۱ و ۰/۵۹۱ بوده نابرابری در روستاها بسیار باید بالاتر بوده باشد.

مهران در مورد تأثیر مخارج عمومی برای سال ۱۹۷۱ محاسبه‌ای دارد. وی همه انواع هزینه‌های مصرفی عمومی جز مخارج شهرداری‌ها و برنامه‌های غیربودجه‌ای (سهیم کردن کارگران در سود) را در نظر گرفته است. در مورد آموزش و پرورش کمک به مدارس خصوصی مهم شمرده شده است. مقدار کمک به ازای هر دانش‌آموز کمتر از هزینه واحد آن در مدارس دولتی است. یعنی خانوارهای غنی که فرزندان خود را به مدارس خصوصی می‌فرستند کمتر از کمک دولت برخوردارند. خانواده‌های فقیرتر نیز تمامی فرزندان خود را به مدرسه نمی‌فرستند؛ پس، از کمک استفاده نمی‌کنند. بهداشت مساوی تقسیم و توزیع شده است.

طبق نظر ILO در ایران در سال ۱۹۷۱ و قبل از آن، سیاست‌های مالی و بودجه‌ای دولت اثر ناچیزی بر سطح زندگی مردم فقیر داشته است. برای پنج دهک نخستین در ایران تأثیر خالص از ۰/۹۰ درصد از درآمد تجاوز نمی‌کند. سهم نخستین طبقات درآمدی (۵۰/۹ درصد جمعیت) بسیار کم و از ۱۴/۷ به ۱۵/۴ درصد افزایش یافته حال آن که سهم پنج طبقه آخر درآمدی (آخرین پنج دهک) تنها در حدود یک واحد درصدی و از ۶۲/۷ به ۶۱/۷ درصد کاهش یافته است.

تحلیلهای دیگری در مورد مقایسه توزیع درآمد قبل و بعد از انقلاب صورت گرفته است.^{۱۲} تولید ناخالص داخلی کشور در ۱۳۵۱ معادل ۳۵۰۷ میلیارد ریال بوده که در ۱۳۶۷ به قیمت ثابت ۱۳۵۳ به ۲۹۶۱ میلیارد ریال رسیده است. اما چون جمعیت کشور از ۳۶ میلیون به ۵۳ میلیون افزایش یافته است تولید ناخالص داخلی سرانه از

توزیع درآمد که با استفاده از اسناد منتشره وزارت دارایی درباره درآمد مالیاتی و نیز تعدادی از بررسیهای بودجه خانوار صورت گرفته است نشان می‌دهد که مالیات‌بندی در واقع تأثیر متعادل‌کننده‌ای نداشته است. توزیع متوسط نرخها با متوسط ۸/۳ درصد آشکارا U شکل است زیرا حداکثر نرخها در دهکهای ۱ و ۲ از یک سو و دهکهای ۹ و ۱۰ از سوی دیگر محقق شده است در حالی که کمترین نرخها مربوط به دهکهای ۴ تا ۷ است.

با نگاه به جدول ۳ مشاهده می‌شود که در سالهای ۱۳۵۴-۵۵ با افزایش درآمد نفت نابرابریهای درآمد شهری یعنی ضریب جینی کاهش یافت. در بعد از انقلاب وقتی درآمد نفت و بنابراین درآمد کل کشور کاهش یافت نابرابری افزایش نشان می‌دهد. البته کاهش نابرابری در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ناشی از یارانه‌های پرداختی دولت نیز بوده است.

افزایش نابرابری در سالهای ۱۳۶۵-۶۶ ناشی از کاهش درآمد نفت بود که موجب کاهش درآمدهای انتقالی گشت. پس کاهش نابرابری پس از انقلاب ساختاری نبوده بلکه سیاست‌های

جدول ۳ - برآورد ضریب جینی توزیع درآمد ایران

سال	کل کشور	خانوار شهری	خانوار روستایی
۱۳۵۱		۰/۴۸۹	
۱۳۵۲		۰/۴۷۶	
۱۳۵۳		۰/۴۶۹	
۱۳۵۴		۰/۵۱۳	
۱۳۵۵		۰/۴۷۹	
۱۳۵۶		۰/۴۵۷	
۱۳۵۷		۰/۴۳۶	
۱۳۶۲		۰/۴۴۹	۰/۴۸۹
۱۳۶۳		۰/۴۲۷	۰/۳۹۵
۱۳۶۴		۰/۴۳۰	۰/۳۸۸
۱۳۶۵		۰/۴۴۲	۰/۴۱۵
۱۳۶۶		۰/۴۴۸	۰/۳۷۹
۱۳۶۷		۰/۴۱۵	۰/۳۷۶
۱۳۶۸	۰/۴۲۸	۰/۴۱۸	۰/۴۱۸
۱۳۶۹	۰/۴۲۹	۰/۴۰۰	۰/۴۴۶
۱۳۷۰	۰/۴۵۶	۰/۴۳۵	۰/۴۵۲

جمع‌آوری رتانی از مآخذهای متفاوت در پایان مقاله

جدول ۴- توزیع درآمد برحسب گروه‌های درآمدی و نماز نابربری بعد از اقدام دولت در ایران

(۱۳۵۰-۱۹۷۱)

گروه درآمدی	درصد جمعیت	درصد درآمد اصلی	درصد درآمد بعد از توزیع انتقالی دولت
۱	۱۱	۱/۴	۱/۵
۲	۱۳/۷	۳/۲	۳/۴
۳	۱۴/۵	۴/۹	۵/۸
۴	۱۱/۷	۵/۲	۵/۴
۵	۱۹/۶	۱۲/۵	۱۲/۷
۶	۱۰/۲	۱۰/۸	۱۰/۲
۷	۶	۸/۳	۸/۳
۸	۳/۹	۷/۰	۷/۰
۹	۴/۴	۱۰/۹	۱۰/۰
۱۰	۲/۹	۱۱/۵	۱۱/۲
۱۱	۲/۸	۲۵	۲۴/۴

مأخذ: Mehran (1977)

ضریب جینی قبل از انتقال ۰/۵۷۸، بعد از انتقال ۰/۵۶۶، تفاوت ۰/۰۱۲

۲- در دوره ۱۳۵۸-۶۲ چون استراتژی اتخاذشده متکی بر توزیع عادلانه‌تر درآمد بود عوامل فوق در جهت کاهش نابرابری درآمد و توزیع عادلانه‌تر آن عمل نموده و احتمالاً توزیع درآمد در این دوره عادلانه‌تر شده است. البته دلایل کمی قانع‌کننده‌ای در مورد اظهار نظرهای فوق ارائه نشده است. گرچه ضریب جینی الگوی توزیع مصرف^{۱۵} بهبود یافته است.

۳- در دوره ۱۳۶۳-۶۸ به علت مشکلات خاص دوران جنگ و کاهش درآمدهای ارزی ناشی از نفت که از ۱۳۶۵ شروع گردید و افزایش نقدینگی ناشی از کسری بودجه، الگوی توزیع درآمد مجدداً در جهت ایجاد نابرابری بیشتر حرکت نمود. در تحقیقی در وزارت امور اقتصادی و دارایی^{۱۶} سیاستهای حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر تحت بررسی قرار گرفت و سعی شد تأثیر این گونه سیاستها را در کاهش نابرابری آشکار گردد. البته این امر از طریق اندازه‌گیری این تأثیرات همانند آنچه کاکوانی ابراز داشته صورت نگرفته است. آیا با تکیه بر سیاستهای حمایتی از اینگونه که در ایران دیده شده می‌توان انتظار بهبود شاخصهای توزیع درآمد

۸۱/۵ هزار ریال در سال ۱۳۵۱ به ۵۵/۵ هزار ریال در ۱۳۶۷ کاهش نشان می‌دهد. یعنی ابعاد فقر وسیعتر شده است. اما آیا الگوی توزیع درآمد و مصرف سرانه تغییر نموده است؟ در این دیدگاه الگوی توزیع درآمد تحت تأثیر پنج دسته از عوامل تغییر می‌نماید.

۱- وضعیت خانوادگی فرد (زادگاه)

۲- وضعیت اجتماعی فرد

۳- خصائص ارثی

۴- کوشش و تلاش

۵- عوامل تصادفی

در هر دوره ترکیب ویژه‌ای از عوامل فوق باعث می‌شود الگوی توزیع درآمد در جهت تعادل یا عدم تعادل بیشتر تغییر نماید. وضعیت ایران از نظر تأثیر عوامل فوق در سه دوره مورد بررسی واقع شده و نتایج ذیل را به دست داده است:

۱- در دوره ۱۳۵۱-۵۶ چون استراتژی توسعه متکی بر حداکثر نمودن تولید بود و هدف توزیع درآمد در درجه دوم اولویت قرار گرفته بود به استثنای عوامل ارثی مابقی پارامترهای فوق در جهت کاهش نابرابری توزیع درآمد عمل نموده است.

جدول ۵. شاخصهای نابرابری در طی دوره‌ی ۶۸-۱۳۶۲ (کل هزینه‌ها)

عنوان سال	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸
شهری							
ضریب	۰/۴۲۸۸۹۸۷	۰/۴۲۶۹۱۴۳	۰/۴۳۰۲۸۲۱	۰/۴۴۲۴۳۷۴	۰/۴۴۷۸۴۱۹	۰/۴۱۴۸۰۶۷	۰/۴۲۷۰۰۸۷
سهم ۴۰٪ پایین	۱۴/۴۲	۱۴/۶۹	۱۴/۴۹	۱۳/۸۸	۱۳/۷۲	۱۵/۵۸	۱۴/۶۷
سهم ۴۰٪ وسط	۳۶/۲۳	۳۶/۰۲	۰۳۵/۷۱	۳۵/۵۰	۳۴/۹۷	۴۸/۱۰	۳۶/۳۸
سهم ۲۰٪ بالا	۴۹/۳۳	۴۹/۳۰	۴۹/۸۰	۵۰/۶۲	۵۸/۳۱	۴۸/۳۱	۴۹/۲۹
نسبت سهم ۱۰٪ بالا به							
سهم ۱۰٪ پایین	۱۷/۷۶	۱۷/۲۷	۱۷/۴۴	۱۸/۹۷	۱۹/۳۶	۱۵/۴۲	۱۸/۱۲
روستایی							
ضریب جینی	۰/۳۸۹۴۸۱۸	۰/۳۹۶۸۵۴	۰/۳۸۸۴۷۵۸	۰/۴۱۵۰۵۵	۰/۳۷۹۲۹۲۴	۰/۳۷۶۳۶۰۵	۰/۳۷۲۹۶۸۳
سهم ۴۰٪ پایین	۱۶/۹۱	۱۶/۶۹	۱۶/۸۱	۱۵/۵۶	۱۷/۴۶	۱۷/۷۰	۱۷/۶۳
سهم ۴۰٪ وسط	۳۶/۵۶	۳۶/۴۰	۳۶/۹۶	۳۵/۸۷	۳۵/۸۶	۳۶/۸۵	۳۷/۳۶
سهم ۲۰٪ بالا	۴۶/۵۳	۴۶/۹۰	۴۶/۲۳	۴۸/۵۷	۴۵/۸۶	۴۵/۴۴	۵۰/۰۱
سهم ۱۰٪ بالا							
به سهم ۱۰٪ پایین	۱۲/۵۷	۱۳/۲۶	۱۲/۸۷	۱۶/۰۳	۱۲/۳۳	۱۱/۷۴	۱۱/۶۷

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

* شاخصهای نابرابری بر حسب هزینه کل (مجموع هزینه‌ی خوراکی و غیر خوراکی)، محاسبه شده است.

جدول ۶: شاخصهای نابرابری (هزینه خوراکی)

عنوان سال	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸
شهری							
ضریب جینی	۰/۴۰۲۴۱۵۳	۰/۴۰۹۶۳۲	۰/۴۱۸۶۲۲۶	۰/۴۲۰۹۱۳۴	۰/۴۲۴۵۵۷۴	۰/۴۲۵۸۰۹	۰/۴۱۶۵۵۹۱۶
٪۴۰	۱۵/۳۰	۱۴/۹۶	۱۴/۵۵	۱۳/۷۰	۱۳/۰۳	۱۴/۴۶	۱۴/۷۳
٪۴۰	۳۸/۵۵	۳۸/۱۴	۳۷/۷۲	۳۶/۳۲	۳۷/۳۵	۳۶/۸۰	۳۷/۶۱
٪۲۰	۴۶/۱۵	۴۶/۹۰	۴۷/۷۱	۴۹/۹۸	۴۹/۶۲	۴۸/۴۷	۴۷/۶۶
	۱۷/۱۵	۱۷/۷۱	۱۸/۸۰	۲۰/۹۸	۲۲/۵۲	۱۸/۴۸	۱۸/۸۳
روستایی							
٪۴۰	۲۰/۶۷	۲۰/۰۵	۱۹/۹۴	۱۶/۶۸	۱۸/۰۹	۲۰/۳۱	۲۱/۰۳
٪۴۰	۳۹/۸۱	۳۹/۴۵	۳۹/۵۹	۳۶/۰۹	۳۷/۴۷	۳۹/۲۶	۴۱/۰۰
٪۲۰	۳۹/۵۳	۴۰/۵۰	۴۰/۴۷	۴۷/۲۳	۴۴/۲۳	۴۰/۴۲	۳۷/۹۷
	۸/۱۴	۹/۱۲	۸/۹۸	۱۵/۷۲	۱۲/۲۲	۹/۴۱	۷/۸۶
وزنه اهمیت خوراکی‌ها، شهری							
متوسط	۳۹/۰۶	۳۸/۳	۳۸/۹	۳۷/۱	۳۸/۶	۴۱/۶	۴۰/۸
دهک اول	۳۶/۶	۳۴/۸	۳۳/۸	۳۳/۷	۳۱/۴	۴۰/۳	۳۶/۹
وزنه اهمیت خوراکی‌ها، روستایی							
متوسط	۴۸/۱	۴۸/۴	۴۸/۶	۵۴/۲	۵۳/۳	۵۰/۸	۵۰/۱۳
دهک	۵۹/۱	۵۷/۵	۵۹/۲	۵۴/۳	۵۳/۴	۵۴/۰۰	۵۷/۵۱

مأخذ: محاسبات گروه تحقیق

رفع نابرابری عمل نکرده است. سطح مصرف مناطق شهری علیرغم کاهش قدرت خرید، به علت افزایش قیمت‌ها ثابت مانده و مردم مواد مصرفی خود را در حد مطلوب نگه داشته‌اند. که آن را از نتایج نظام حمایتی می‌توان دانست.

هزینه خوراک يك فرد شهری ۲ برابر هزینه خوراک يك فرد روستایی بوده و الگوی نابرابری حفظ شده است (سال ۱۳۶۸). مخارج سالیانه مواد خوراکی يك فرد روستایی تنها ۵۹/۸ درصد مخارج مواد خوراکی يك شهروند است و این در حالی است که کمک‌های انتقالی دولت متوجه شهرنشینان نیز هست. در حالی که ضریب اهمیت خوراک در روستا نیز بیشتر است. ضریب جینی در شهر ۰/۴۲۷ اما در روستا ۰/۲۷۳ است. بزرگتر بودن ضریب جینی شهرها الزاماً به معنای آن نیست که روستاییان از موقعیت بهتری برخوردارند بلکه لرقام ضریب جینی مؤید تمرکز بیشتر درآمد در شهر نسبت به روستاست. فعالیت‌های واسطه‌گری، بورس‌بازی و دلالتی باعث شده است قشر نازکی در شهر از امکانات و تمرکز زیادتری برخوردار شود.

در محاسبات توزیع درآمد که در سازمان برنامه و بودجه صورت گرفته است.^{۱۷} وضعیت

را داشت؟ با توجه به جدول ۵ و ۶ در مجموع شاخصهای نابرابری در شهر و روستا تقریباً روند یکسانی داشته است با این تفاوت که در روستا شاخصها بیانگر وضعیت بهتری از حیث توزیع درآمد است.

سیاستهای حمایتی اثرات خود را در حفظ ثبات شاخصهای نابرابری به جا گذاشته اما قادر به تغییر ساختار آن نبوده است.

شاخصهای سال ۱۳۶۵-۶۶ وضعیت بدتری داشته است. افزایش نابرابری درآمد به علت ضربه‌های ارزی و کاهش قیمت نفت نشان می‌دهد که با کم‌رنگ شدن سیاستهای حمایتی چقدر توزیع درآمد ضربه‌پذیر است. یعنی باید الگو و ساخت توزیع درآمد متحول گردد و گرنه تأثیر موقت تحول ساختاری باید از طریق مالیات و انتقال خاص ایجاد شود و سوسید از تقاضا به عرضه یعنی تولید هدایت شود. ضریب جینی و شاخصهای نابرابری در مورد مواد خوراکی وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. در مورد مواد مصرفی نابرابری شدیدی بین مصرف شهر و روستا وجود دارد. ضمناً نسبت مصرف شهر به روستا که یکی از شاخصهای عدم عدالت است ثابت مانده و سیاستهای حمایتی دولت در جهت

شاخصهای توزیع درآمد هزینه خانوار (سازمان برنامه)

سال	ضریب جینی	ضریب جینی	جینی	لیست سهم دهک
۶۱	۰/۴۴۱	۰/۴۲۲	۰/۴۱۶	۲۲/۲
۶۲	۰/۴۵۲	۰/۴۲۴	۰/۴۲۷	۲۵/۵
۶۳	۰/۴۵۳	۰/۴۲۵	۰/۴۳۳	۲۶/۱
۶۴	۰/۴۵۲	۰/۴۲۴	۰/۴۲۷	۲۵
۶۵	۰/۴۶۶	۰/۴۲۶	۰/۴۵۸	۲۹/۸
۶۶	۰/۴۴۶	۰/۴۳۶	۰/۴۱۲	۲۳/۲
۶۷	۰/۴۳۸	۰/۴۱۷	۰/۴۰۸	۲۲/۲
۶۸	۰/۴۳۷	۰/۴۱۸	۰/۴۱۸	۲۳/۲
۶۹	۰/۴۲۸	۰/۳۹۹	۰/۴۴۵	۲۳/۷
۷۰	۰/۴۵۶	۰/۴۳۵	۰/۴۵۲	۲۷/۳
۷۱	۰/۴۳۵	۰/۴۰۹	۰/۴۳۳	۲۳/۳
۷۲	۰/۴۲۵	۰/۳۹۳	۰/۴۳۱	۲۲/۱
۷۳	۰/۴۲۳	۰/۳۹۵	۰/۴۳۱	۱۹/۹
میانگین	۰/۴۴۳	۰/۴۱۸	۰/۴۳	۲۴/۱

جدول ۷- سهم گروههای درآمدی

سال	۴۰٪ پائین	۴۰٪ میانی	۲۰٪ بالایی
۱۳۶۱	۱۳/۹	۳۷/۴	۴۸/۷
۱۳۶۲	۱۳/۲	۳۶/۹	۴۹/۹
۱۳۶۳	۱۳/۳	۳۷	۴۹/۷
۱۳۶۴	۱۳/۴	۳۷	۴۹/۶
۱۳۶۵	۱۳/۷	۳۶/۵	۵۰/۸
۱۳۶۶	۱۳/۹	۳۶/۷	۴۹/۴
۱۳۶۷	۱۴/۱	۳۶/۹	۴۸/۹
۱۳۶۸	۱۴/۱	۳۷/۴	۴۸/۵
۱۳۶۹	۱۴/۳	۳۸/۱	۴۷/۶
۱۳۷۰	۱۴/۴	۳۶/۷	۴۹/۹
۱۳۷۱	۱۴/۱	۳۷/۶	۴۸/۳
۱۳۷۲	۱۴/۶	۳۸	۴۷/۴
۱۳۷۳	۱۵	۳۷/۳	۴۷/۷
میانگین	۱۳/۹	۳۷/۲	۴۹/۰

نلسون عوامل مؤثر در تحرك اقتصادى خانوارها استخراج شده و امکان ارتقای يك خانوار از يك طبقه درآمدی به طبقه دیگر ناشی از عواملی چون سکونت در شهر، مرد بودن سرپرست خانوار، وابستگی قومى خانوار، سمت و شغل سرپرست، سن، تعداد شاغلان خانوار و سرمایه انسانی خانوار دانسته شده است. عوامل فوق نشان می دهد که سیاستهای ناظر بر رشد اقتصادى، توسعه آموزشى و مهارتها، حمایت حقوقى از گروههای ضعیفتر جامعه، رفع تبعیضهای اجتماعى و کلاً آمد نمودن سیاستهای حمایتى، نابرابرى را کاهش می دهد. در این گزارش عوامل ناموجهی چون قومیت، جنسیت، منطقه جغرافیایی، اشتغال در بخش دولتی فارغ از توانمندیها و صلاحیتهای افراد شاغل، نقش مؤثری در کیفیت نامناسب درآمد داشته است که باید برای آن چاره اندیشی نمود.

یادداشتها

۱. بُعد دیگر عدالت اجتماعى عدالت بین نسلى است به معنی استفاده عادلانه از محیط زیست، منابع کانی و زیرزمینى و مانند آن توسط يك نسل در مقایسه با نسل دیگر. در این بُعد از عدالت اجتماعى در واقع قابلیت و تنلوم

توزیع درآمد در فاصله سالهای ۱۳۶۱-۶۵ نابرابر شده و در دوره ۱۳۶۶-۷۲ بهبود نسبی در توزیع درآمد ایجاد گردیده است. اما در سال ۱۳۷۰ یکباره ضریب جینی بالا رفته که نویسنده علت آن را نحوه آمارگیری و تغییر شیوه آن می داند. توزیع درآمد در سال ۱۳۷۳ تا حدودی بهبود یافته است.

گزارش مزبور سیاستهای متفاوت اقتصادى در کشور در دوره مورد بررسی را با شاخصهای توزیع درآمد مرتبط نموده و نشان داده است که این سیاستها آثار توزیعی متفاوتی داشته اند.^{۱۸} بخش قابل توجهی از نابرابرى توزیع درآمد در کشور ناشی از نابرابرى بین مناطق شهری و روستایی است (جدول ۳). درمدلى شبیه مدل

جدول ۸- سهم درآمد گروههای مختلف درآمدی در سال ۱۳۶۸ (به درصد)

روستا	شهر	کل کشور	۴۰٪ کم درآمدترین افراد
۱۷/۶۳	۱۲/۷	۱۵/۶۳	۴۰٪ در صد میانی درآمد
۳۷/۳۶	۳۶/۲۸	۳۶/۳۶	۲۰٪ در صد پیر درآمدترین افراد
۴۵۰/۳	۲۹/۰۵	۲۷/۹	۱۰٪ بالا به ۱۰٪ پائین
۱۱/۶۷	۱۸/۱۲	۱۵/۵۵	

۰/۴ بوده و در ۱۳۵۱-۵۶ به ۰/۵ افزایش یافته و سپس در دوره بعد به حدود ۰/۴ کاهش یافته است.

۱۶. جمشید پژویان، سیاست‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۵.

۱۷. دکتر مسعود نیلی، اقتصاد ایران، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.

۱۸. علی دینی، «آیا فقیران ثروتمندتر شده‌اند»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۶. این مقاله به ارتباط بین سیاست‌های اتخاذ شده در بعد از انقلاب و بهبودی توزیع درآمد با دیدی روش‌شناسانه نگاه کرده و بهبودی مزبور را همانند گذشته ناشی از سیاست‌های حمایتی دانسته است.

منابع

دکتر جمشید پژویان، سیاست‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۵.

دکتر مسعود نیلی و اقتصاد ایران، سازمان برنامه و بودجه مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.

مرکز آمار ایران، گزارش‌های در زمینه شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد در ایران ۱۳۶۸-۱۳۶۹.

سازمان برنامه و بودجه، مطالعه تطبیقی وضع درآمدها و هزینه‌ها در مناطق شهری ایران ۱۳۵۸-۱۳۵۹.

سازمان برنامه و بودجه، الگوی توزیع درآمد و هزینه‌ها در مناطق شهری و روستایی ایران، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و نیروی انسانی، ۱۳۶۰.

ه. سنهگر، ی. تینرگن، آ. لویس، اشتغال، توزیع درآمد و استراتژی توسعه مجموعه مقالات مترجم عزیز کیانود، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹.

دکتر حسین عظیمی، مدل‌های توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.

ژاک لوکایون و موریس پاکرت، بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، مترجم احمد اخوی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳.

دکتر محسن رنایی، بازرگانی یا نابازرگانی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.

ع. ا. اسفندیاری، «تأثیر برنامه‌های اول تا پنجم در نظام قدیم بر ساختار اقتصاد ایران از دیدگاه اشتغال و جابجایی نیروی انسانی»، مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی،

توسعه و حق‌نسل‌های بعدی در مقابل نسل فعلی مورد نظر است.

۲. یان تین برگر «توزیع عادلانه درآمد، کوششی برای بیان کمی موضوع» در هانس سینگر، یان تین برگر و آرتور لویس، اشتغال، توزیع درآمد و استراتژی توسعه، مترجم عزیز کیانود، تهران مرکز مدلول اقتصاد و اجتماعی سازمان برنامه، ۱۳۶۹.

3. Simon Kuznets, *Economic Growth and Income Inequality* (1955).

4. I.B. Krajs, "International differences in the distribution of income", *Review of Economic and Statistics*, Vol. 2, 1960.

۵. ژاک لوکایون، موریس پاکرت، توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، ترجمه احمد اخوی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۳.

6. World Employment Program (WEP).

7. M.S Ahlwalia, "Income Odistribution and Development", *American Economic Review*, 1976, pp. 128-135.

۸. تحلیل دوگانگی بخشی کوزنتس برای اقتصاد ایران مصداق دلدر. ک. محسن رنایی، بازرگانی یا نابازرگانی، بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازرگانی در ایران، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶، ص ۲۸۳. البته دکتر رنایی نابرابری کم در روستا را این نسق دلار محاسبه نموده است و اگر خوش‌نشینان و مالکین بزرگ را در زمان اصلاحات و بعد از آن در نظر بگیریم شاید نابرابری بخشی روستا نیز بالاتر از این باشد.

۹. ر. ک. قرها نیلی، «بررسی فقر، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی طی سالهای گذشته». در گزارش سازمان برنامه و بودجه و کتاب اقتصاد ایران، تدوین و تنظیم دکتر مسعود نیلی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.

۱۰. این امر با نظرات بهبود ضریب جینی در ۱۳۷۲-۷۳ همخوانی ندارد.

11. N. C. Kakwani, *Income Inequality and Poverty, Method of Estimation and Policy Application*, A World Bank Research Publication, New York, Oxford University Press, 1980.

12. Samuel Bowles and Valerier Nelson, "The Inheritance of IQ and The Intergenerational Reproduction of Economic Inequality", *Review of Economic and Statistics*, 1974, p. 39.

۱۳. مقایسه این اطلاعات با استفاده از کتاب توزیع درآمد و توسعه اقتصادی، پیشین صورت گرفته است.

۱۴. دکتر حسین عظیمی، مدل‌های توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.

۱۵. ضریب جینی الگوی توزیع مصرف در ۱۳۵۱ حدود

cess of Development, Research Working Paper WEP 2-23 / WP52.

F. Mehran, Distribution of Benefits from Public Consumption Expenditures among Householders in Iran, Research Working Paper, WEP 2-23 / WP 57 (Geneva, ILO, 1977)

~ Income Distribution in Iran: The Statistics of Inequality, Research Working Paper, WEP 2-23, WP 30 (Geneva, ILO, 1975).

~ Taxes and Incomes: Distribution of Tax Burdens in Iran, Research Working Paper, WEP 2-23, WP 33 (Geneva, ILO, 1975).

Oshima. H. T "The International Comparison of size Distribution of Family Incomes with Special Reference to Asia", *Review of Economics and Statistics*, No, 1962. pp. 439- 445.

۱۳۸۰، کتاب اول، صص ۳۸۰-۴۲۰.

Ahluwalia, M.S, "Income distribution and development: Some Stylized Facts", in *American Economic Review*, May 1976, pp. 128-135.

Kakwani, N.C. *Income Inequality and Poverty. Methods of Estimation and Policy Applications*, A World Bank Research Publication (New York, Oxford University Press, 1980).

Kuznets, S. "Demographic Aspects of the Size Distribution of Income: An Exploratory Essay", in *Economic Development and Cultural Change* (Research Center for Economic Development and Cultural Change, University of Chicago). Oct. 1976, pp. 1-44.

Lydall, H. Income Distribution during the Pro-



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی